

وضعیت هویتی نوجوانان تهرانی

دکتر بنفشه غزایی*، دکتر محمد کاظم عاطف وحید**،

دکتر محمود دژ کام***، دکتر مهرداد محمدیان****

چکیده

مقدمه: هدف پژوهش حاضر بررسی وضعیت هویت ایدئولوژیکی و میان فردی نوجوانان دختر و پسر تهرانی و هم‌چنین مقایسه‌ی وضعیت و سبک‌های هویتی آنان بود.

مواد و روش کار: این پژوهش پس‌رویدادی و از نوع مقطعی- توصیفی بوده است. ۴۶۷ نوجوان تهرانی (۲۳۵ دختر و ۲۳۲ پسر) از چهار منطقه‌ی آموزش و پرورش تهران در مقاطع سوم نظری و پیش‌دانشگاهی که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای- تصادفی انتخاب شده بودند، به کمک پرسش‌نامه‌ی فرآیند هویت ایگو و پرسش‌نامه‌ی سبک هویت مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌ها به کمک آزمون آماری خی دو و تحلیل واریانس تحلیل گردیدند.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که نوجوانان تهرانی از نظر هویت ایدئولوژیکی و میان فردی بیشتر از همه در وضعیت مهلت مجاز و کمتر از همه در وضعیت اکتساب بودند. بین وضعیت هویت دختران و پسران تفاوت معنی‌دار دیده شد و هم‌چنین بین سبک‌های هویت با وضعیت‌های هویتی نیز ارتباط معنی‌داری به دست آمد. سبک هویت نامتمایز/اجتنابی بیشترین ارتباط را با وضعیت نامتمایز و سبک هویت هنجاری بیشترین ارتباط را با وضعیت تفویض اختیار و سبک هویت اطلاعاتی بیشترین ارتباط را با وضعیت اکتساب نشان دادند.

نتیجه‌گیری: نوجوانان تهرانی از نظر وضعیت هویتی کمتر در وضعیت اکتساب و یا سبک اطلاعاتی هستند.

:

* دکترای تخصصی روانشناسی بالینی، استادیار دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی- درمانی ایران. تهران، خیابان ستارخان، خیابان نیایش، انستیتو روانپزشکی تهران و مرکز تحقیقات بهداشت روان (نویسنده مسئول).
E-mail: Banafshehgh@yahoo.com

** دکترای تخصصی روانشناسی بالینی، استادیار دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی- درمانی ایران. تهران، خیابان ستارخان، خیابان نیایش، انستیتو روانپزشکی تهران و مرکز تحقیقات بهداشت روان.

*** دکترای تخصصی روانشناسی بالینی، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی- درمانی شهید بهشتی. تهران، خیابان شهید مدنی، بیمارستان امام حسین، بخش روانپزشکی و علوم رفتاری.

**** روانپزشک، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی- درمانی ایران. تهران، خیابان ستارخان، خیابان نیایش، انستیتو روانپزشکی تهران و مرکز تحقیقات بهداشت روان.

عوامل چندگانه‌ی زیستی، روانشناختی، اجتماعی، میان‌فردی، فرهنگی و تاریخی در رشد انسان مؤثر هستند. رشد در دوره نوجوانی ناشی از تعامل این عوامل بوده و توجه به هر یک از این عوامل به‌تنهایی نمی‌تواند تصویر درستی از این تغییرات را به ما ارائه دهد. افراد در این مرحله‌ی سنی در معرض بسیاری از مشکلات رفتاری و روانی قرار دارند. در دوره‌ی نوجوانی ضعف در تصمیم‌گیری (در زمینه‌هایی مانند مدرسه، روابط با جنس مخالف و مصرف مواد)، نتایج منفی‌تری از دوران کودکی را دربرداشته، هم‌چنین نوجوان بیشتر برای تصمیم‌گیری‌ها و نتایج کارهای خود نسبت به دوره‌ی کودکی مسئول می‌باشد (پترسون^۱، ۱۹۸۸).

بررسی‌ها نشان داده‌اند که رفتارهای پرخطر در دوره‌ی نوجوانی افزایش می‌یابند و گرایش به تنوع رفتارهای پرخطر و یا پرداختن به چندین رفتار پرخطر با هم در این دوران دیده می‌شود. برای نمونه ممکن است سوءمصرف مواد و روابط جنسی ناایمن با هم رخ دهند (فارل^۲، دانیس^۳ و هوارد^۴، ۱۹۹۲)، تا آنجا که شاید بتوان در نوجوانان مجموعه رفتارهای پرخطر را، «نشانگان رفتارهای پرخطر» نام داد (جسر^۵، ۱۹۹۲). به‌همین دلیل شناخت این دوره از اهمیت بسیاری برخوردار است.

اریک اریکسون (به نقل از کیدول^۶، دانهام^۷، باچو^۸، پاستوین^۹ و پورتز^{۱۰}، ۱۹۹۵) تغییرات دوره‌ی نوجوانی و مشکلات مربوط به آن را با عنوان هویت‌یابی توصیف نموده، وی وظیفه‌ی اصلی این دوران را در نظریه‌ی رشدی خود هویت‌یابی در برابر گیجی نقش عنوان کرد. اریکسون رشد هویت را ناشی از بحران‌های گذرای هویت دانست و بر این باور بود که در دوران نوجوانی این اختلال‌ها می‌توانند به‌صورت گذرا و با حالت‌های روان‌رنجوری و یا حتی روان‌پریشی خود را نشان دهند. برپایه‌ی نظریه‌ی اریکسون (همان‌جا) کاوش، قلب دوره‌ی انتقال است و در نظریه‌ی وی کاوش هویت همان بحران هویت است.

در میان نظریه‌های نوین مربوط به رشد هویت در نوجوانان از نظریه‌ی مارسیا^{۱۱} می‌توان نام برد. الگوی وضعیت هویت مارسیا^{۱۲} (مئوس^{۱۳}، ۱۹۹۶) بیشتر برپایه‌ی نظریه‌ی اریکسون در رابطه با شکل‌گیری هویت در نوجوانان شکل گرفته است.

به بیان دیگر، بسیاری از پژوهشگران بررسی‌های خود را در مورد هویت برپایه‌ی نظریه‌ی وضعیت‌های هویت مارسیا (۱۹۶۶) انجام داده‌اند. مارسیا (همان‌جا) از چهار سطح جداگانه در رشد هویت ایگو، یاد نموده است که آن را در مفهوم حضور یا عدم حضور بحران اکتشاف و تعهد وصف می‌کند. این چهار وضعیت عبارت‌اند از هویت نامتمایز^{۱۴} (وضعیتی بدون بحران کنونی و بدون تعهد)، تفویض اختیار^{۱۵} (وضعیتی با تعهد بدون بحران پیشین)، مهلت مجاز^{۱۶} (وضعیتی با بحران فعلی و بدون تعهد) و بالاخره اکتساب هویت^{۱۷} (وضعیتی با تعهد و بحران پیشین). اگر چه این مراحل در یک موقعیت بهنجار در نظر گرفته می‌شوند ولی بر چگونگی درگیر شدن نوجوانان برای شکل‌گیری هویت تأکید دارند (برزونسکی^{۱۸}، ۱۹۹۰؛ گروتوانت^{۱۹}، ۱۹۸۷).

وضعیت هویت نامتمایز، دوره‌ای است که در آن نوجوان نه تصمیم می‌گیرد، نه سازش می‌کند و نه توجه فعالی به اختیارات یا حق انتخاب خود دارد. وضعیت تفویض اختیار، دوره‌ای است که در آن نوجوان بدون اندیشیدن با هنجارها و معیارهای پدر و مادر خود سازگار می‌شود. در وضعیت مهلت مجاز، نوجوان هر تصمیم یا سازشی را به تعویق می‌اندازد ولی به دیدگاه‌ها و مسائل اطراف خود توجه کامل دارد و بالاخره در وضعیت اکتساب هویت، نوجوان می‌تواند

- | | |
|----------------------------|--------------------------|
| 1- Peterson | 2- Farrell |
| 3- Danish | 4- Howard |
| 5- Jesser | 6- Kidweel |
| 7- Dunham | 8- Bacho |
| 9- Pastovin | 10- Portes |
| 11- Marcia | |
| 12- Marcia Identity Status | |
| 13- Meeus | |
| 14- identity diffusion | 15- foreclosure |
| 16- moratorium | 17- identity achievement |
| 18- Berzonsky | 19- Grotevant |

سازشی بین نیازهای درونی خود و خواست‌های اجتماعی برقرار کند. در این دوران نوجوان به تصمیم‌گیری در حوزه‌های شغلی، مذهبی، سیاسی و جنسی می‌پردازد (مارسیا، ۱۹۶۷).

به‌طور کلی می‌توان گفت تکامل بررسی‌های مربوط به رشد هویت از نخستین نوشته‌های فروید تا تئوری اریکسون و از نظریه‌ی عملکردی و تجربی مارسیا تا نظریه‌های گوناگونی که از سال ۱۹۸۷ توسط برزونسکی، گروتوانت، واترمن^۱، کورتینز^۲، آدامز^۳ و کوتاه^۴ در زمینه‌ی هویت ارایه شده ادامه یافته است (شوارتز^۵، ۲۰۰۱). این افراد بحران هویت را از دیدگاه‌های گوناگون مورد بررسی قرار داده‌اند، اما با توجه به اهمیت نظریه‌ی برزونسکی در پژوهش حاضر، در این بخش نگاه کوتاهی به این نظریه می‌شود.

برزونسکی (۱۹۹۴) به سه سبک هویت متمایز اشاره نموده است. این سبک‌ها ناشی از استراتژی حل مسئله یا سازوکارهای مقابله‌ای است. برزونسکی براین باور است که نوجوانان توانایی انتخاب یکی از این سه سبک را دارند:

۱- سبک هویتی اطلاعاتی^۶ که ظاهراً سازگارانه‌ترین سبک می‌باشد و سازوکار کنارآمدن برای اداره موقعیت‌های روزانه است.

۲- سبک هنجاری^۷ که برپایه‌ی تقلید و پیروی از افراد مهم در زندگی فرد بنا شده است و شامل یک دیدگاه بسته‌ی ذهنی و خودپنداری ثابت و سرکوب‌کننده‌ی اکتشاف است. این روش بسیار نزدیک به وضعیت تفویض اختیار مارسیا است.

۳- سبک نامتمایز/اجتنابی^۸ که نماد برخورد طفره‌آمیز در مشکلات است. راهبردی متمرکز بر هیجان که با سطح پایینی از تعهد و اعتماد به‌نفس و نیز بی‌ثباتی خودپنداری همراه می‌باشد.

به‌بیان دیگر برزونسکی مفهوم پیچیده‌ی بحران هویت برگرفته از مفاهیم نظریه‌پردازانی چون اریکسون را در مفهوم ساده‌تر دیدگاه‌شناختی یعنی مهارت‌های مقابله‌ای با تأکید بر مهارت حل مسئله تبیین کرده است.

از سوی دیگر بررسی‌ها نشان داده‌اند که عوامل گوناگونی از جمله وضعیت هویت والدین (آدامز، ریان^۹ و هوفمن^{۱۰}، دبسون و نیلسن، ۱۹۸۵)، تفاوت‌های نژادی (ابراهام^{۱۱}، ۱۹۸۳؛ مارکستروم-آدامز^{۱۲} و آدامز، ۱۹۹۵) مذهب (به‌نقل از آدامز، ۱۹۹۸)، تفاوت‌های جنسیتی (استریت‌متر^{۱۳}، ۱۹۹۳؛ گروتوانت و آدامز، ۱۹۸۴؛ فرگوا^{۱۴} و بارکر^{۱۵}، ۱۹۸۶؛ آدامز و فیسنج^{۱۶}، ۱۹۸۲) بر شکل‌گیری هویت تأثیر می‌گذارند.

پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت هویت نوجوانان دختر و پسر تهرانی انجام شده است تا با توجه به تأثیر فرهنگ بر رشد و شکل‌گیری هویت بتوان بر پایه‌ی یافته‌های آن برنامه‌ریزی‌های مناسب‌تری برای نوجوانان انجام داد. هدف دیگر این پژوهش مقایسه‌ی وضعیت هویت و سبک‌های هویتی در جامعه‌ی ایرانی می‌باشد تا به کمک آن بتوان از راهبردهای ارایه شده توسط برزونسکی برای بهبود وضعیت هویتی این نوجوانان بهره گرفت.

در این پژوهش هویت برپایه‌ی معیارهای وضعیت‌های هویت مارسیا و سبک‌های هویتی برزونسکی^{۱۷} و با بهره‌گیری از پرسش‌نامه فرآیند هویت ایگو^{۱۸} (EIPQ) و پرسش‌نامه سبک هویت^{۱۹} (ISI-3) سنجیده شد.

این پژوهش پس‌رویدادی^{۲۰} و از نوع مقطعی-توصیفی است. جامعه‌ی مورد بررسی را کلیه‌ی

- | | |
|---|------------------------|
| 1- Waterman | 2- Kurtines |
| 3- Adams | 4- Cote |
| 5- Schwartz | 6- informational style |
| 7- normative style | |
| 8- diffuse-avoidant style | |
| 9- Ryan | 10- Hoffman |
| 11- Abraham | 12- Markstrom-Adams |
| 13- Streitmatter | 14- Fregeau |
| 15- Barker | 16- Fitch |
| 17- Berzonsky Identity Styles | |
| 18- Ego Identity Process Questionnaire | |
| 19- Identity Style Inventory-3 rd revision | |
| 20- retrospective | |

دانش‌آموزان ساکن تهران و مشغول به تحصیل در مقاطع سوم نظری و پیش‌دانشگاهی تشکیل دادند. آزمودنی‌های پژوهش ۴۸۰ نفر بودند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند و مورد بررسی قرار گرفتند. ۱۳ نفر از افراد انتخاب شده به علت تکمیل نکردن کامل پرسش‌نامه‌ها حذف شدند و در نهایت پرسش‌نامه‌های مربوط به ۴۶۷ نفر تحلیل گردید.

برای انتخاب آزمودنی‌ها نخست به کمک اطلاعات به دست آمده از دفتر آمار اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران، فهرستی از کلیه مناطق ۱۹ گانه‌ی آموزش و پرورش به تفکیک جنس، مقطع تحصیلی دانش‌آموزان، و نام مدارس تهیه و براساس آن چهار منطقه یک، هشت، نه و شانزده به عنوان خوشه به صورت تصادفی انتخاب شد. سپس در مناطق مورد نظر نیز براساس اطلاعات دفتر آمار، مدارسی که دارای کلاس سوم دبیرستان و یا پیش‌دانشگاهی بودند، به تصادف و به تعداد مساوی از مدارس دخترانه و پسرانه انتخاب گردیدند. با توجه به این که در هر مدرسه بیشتر از یک کلاس سوم و یا پیش‌دانشگاهی وجود داشت کلاس‌ها نیز به طور تصادفی از میان کلاس‌های هر مدرسه انتخاب شدند.

با توجه به این که نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای و تصادفی از بین مناطق مختلف آموزش و پرورش انجام شد، می‌توان گفت که متغیرهای مداخله‌گر مانند وضعیت اجتماعی-اقتصادی و میزان موفقیت تحصیلی کنترل شده است.

در این پژوهش، پرسش‌نامه‌های فرآیند هویت ایگو و سیاه‌ی شیوه‌ی هویت به کار برده شد:

پرسش‌نامه‌ی فرآیند هویت ایگو (EIPQ): دارای ۶۴ ماده می‌باشد که مارسیا (به نقل از گروتوانت و آدامز، ۱۹۸۴) بر پایه‌ی الگوی وضعیت‌های هویت ایگو ساخته است و ارزش‌های ایدئولوژیک مربوط به سیاست، مذهب و فلسفه‌ی زندگی را با عنوان هویت ایدئولوژیکی، و روابط میان فردی و اجتماعی (شامل

جنبه‌هایی از روابط دوستانه، ارتباط با جنس مخالف، نقش‌های جنسیتی و تفریحات) را با عنوان هویت میان‌فردی، مورد بررسی قرار می‌دهد (گروتوانت و آدامز، ۱۹۸۴).

بویز^۱ و چندلر^۲ (۱۹۹۲) در بررسی ۶۱ دانش‌آموز دختر و پسر سال‌های هشتم تا دوازدهم دبیرستان، پایایی این ابزار را به کمک آلفای کرونباخ در حد خوب گزارش نمودند. اوکانر^۳ (۱۹۹۵) نیز آلفای کرونباخ را در دامنه‌ی ۰/۶۵ (زنان در موقعیت نامتمایز) تا ۰/۸۳ (مردان در موقعیت تفویض اختیار) گزارش نمود. در پژوهش حاضر نیز برای بررسی پایایی این ابزار به فاصله‌ی دو هفته، ۳۰ دانش‌آموز دختر و پسر دبیرستانی (۱۵ پسر و ۱۵ دختر) به پرسش‌نامه‌ها پاسخ دادند که یافته‌ها با بهره‌گیری از روش آلفای کرونباخ در دامنه‌ای از ۰/۷۱ تا ۰/۹۱ برای وضعیت‌های مختلف و به کمک روش بازآزمایی ۰/۹۵ به دست آمد.

پرسش‌نامه شیوه هویت (ISI-3): این پرسش‌نامه برای ارزیابی شیوه‌ی هویت به کار برده می‌شود. این ابزار دارای ۴۰ پرسش است که ۱۱ پرسش آن شیوه‌ی اطلاعاتی، ۹ پرسش برای ارزیابی شیوه‌ی هنجاری و ۱۰ پرسش شیوه‌ی نامتمایز/اجتنابی را ارزیابی می‌کنند. پرسش‌ها روی یک مقیاس ۵ گزینه‌ای از "کاملاً مانند من" (۱) تا "کاملاً مخالف من" (۵) ارزیابی می‌شوند. ضریب آلفای کرونباخ برای این ابزار که بر روی ۶۱۷ نفر اجرا گردیده است، برای شیوه‌ی اطلاعاتی ۰/۷۰ (میانگین ۳۵/۱۶ و انحراف معیار ۵/۵۰)، برای شیوه‌ی هنجاری ۰/۶۴ (میانگین ۲۹/۴۳ و انحراف معیار ۴/۸۳) و برای شیوه‌ی نامتمایز/اجتنابی ۰/۷۶ (میانگین ۳۶/۹۴ و انحراف معیار ۶/۰۲) به دست آمد. هم‌چنین پایایی بازآزمایی که بر روی ۹۴ نفر به فاصله‌ی دو هفته انجام شد، برای شیوه‌ی اطلاعاتی و شیوه‌ی هنجاری ۰/۸۷، شیوه‌ی نامتمایز/اجتنابی ۰/۸۳ و برای تعهد ۰/۸۹

1- Boyes

2- Chandler

3- O'Connor

توسط برزونسکی گزارش شده است (به نقل از برمن^۱، شوارتز^۲، کورتینز^۳ و برمن، ۲۰۰۱). در پژوهش حاضر نیز پایایی به دست آمده برای پرسش‌نامه‌ی شیوه‌ی هویت با روش آلفای کرونباخ بر روی ۳۰ دانش‌آموز (۱۵ دختر و ۱۵ پسر) برای شیوه‌ی اطلاعاتی ۰/۷۵، شیوه‌ی هنجاری ۰/۷۲، شیوه‌ی نامتمایز/اجتنابی ۰/۸۱ و تعهد ۰/۸۵ و با روش بازآزمایی با دو هفته فاصله برای شیوه‌ی اطلاعاتی ۰/۹۱، شیوه‌ی هنجاری ۰/۸۹، شیوه‌ی نامتمایز/اجتنابی ۰/۸۷ و تعهد ۰/۹۰ به دست آمد. گردآوری داده‌ها در ماه‌های مهر و آبان ۱۳۸۲ انجام شد.

داده‌های به دست آمده به کمک آزمون خی دو و تحلیل واریانس تحلیل شدند.

در جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌های پژوهش نشان داده شده است. میانگین سنی آزمودنی‌های پژوهش ۱۶/۶۲ سال (انحراف معیار ۰/۶۴) بود.

در پاسخ به این پرسش پژوهش که نوجوانان تهرانی بیشتر در کدام یک از وضعیت‌های هویتی قرار دارند، یافته‌های به دست آمده در مورد هریک از وضعیت‌های هویتی ایدئولوژیکی و میان‌فردی در جدول ۲ نشان داده شده است.

یافته‌های مربوط به بررسی این فرضیه که بین وضعیت هویتی نوجوانان دختر و پسر تهرانی تفاوت وجود دارد در جدول ۳ نشان داده شده است. آزمون خی دو تفاوت میان وضعیت‌های هویت ایدئولوژیکی در دختران و پسران را از نظر آماری معنی‌دار نشان داد ($\chi^2=7/63$ ، $p<0/05$). هم‌چنین آزمون χ^2 تفاوت میان وضعیت‌های هویت میان‌فردی را در دختران و پسران معنی‌دار نشان نداد. همان‌گونه که در جدول‌های ۳ و ۴ دیده می‌شود، دختران بیشتر در وضعیت هویت میان‌فردی و ایدئولوژیکی مهلت مجاز بوده، پسران با

وجود آن‌که در وضعیت هویت میان‌فردی، بیشتر در وضعیت مهلت مجاز می‌باشند ولی تفاوت زیادی با وضعیت نامتمایز در آنها دیده نمی‌شود. به‌طوری که تفاوتی بین وضعیت‌های مهلت مجاز و نامتمایز در پسران دیده نمی‌شود.

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌های پژوهش برحسب چهار منطقه آموزش و پرورش

متغیر	فراوانی (%)
منطقه	یک ۱۳۱ (۲۸/۱)
	هشت ۱۲۰ (۲۵/۷)
	نه ۱۰۸ (۲۳/۱)
	شانزده ۱۰۸ (۲۳/۱)
	جمع ۴۶۷ (۱۰۰)
جنسیت	پسر ۲۳۲ (۴۹/۷)
	دختر ۲۳۵ (۵۰/۳)
گروه سنی	۱۶ ساله ۲۱۱ (۴۵/۲)
	۱۷ ساله ۲۲۷ (۴۸/۶)
	۱۸ ساله ۲۳ (۴/۹)
	۱۹ ساله ۶ (۱/۳)
سال تحصیلی	کلاس سوم ۲۲۵ (۴۸/۲)
	پیش‌دانشگاهی ۲۴۲ (۵۱/۸)
رشته‌ی تحصیلی	علوم انسانی ۱۴۲ (۳۰/۴)
	ریاضی و فیزیک ۲۱۴ (۴۵/۸)
	علوم تجربی ۱۱۱ (۲۳/۸)

جدول ۲- فراوانی مطلق و نسبی آزمودنی‌های پژوهش برحسب وضعیت هویت ایدئولوژیکی و میان‌فردی آنان

وضعیت هویت	فراوانی (%)
ایدئولوژیکی	
نامتمایز	۱۷۱ (۳۶/۶)
تفویض اختیار	۶۵ (۱۳/۹)
مهلت مجاز	۱۹۰ (۴۰/۷)
اکتساب	۴۱ (۸/۸)
جمع	۴۶۷ (۱۰۰)
میان‌فردی	
نامتمایز	۱۳۵ (۲۸/۹)
تفویض اختیار	۹۲ (۱۹/۷)
مهلت مجاز	۱۸۶ (۳۹/۸)
اکتساب	۵۴ (۱۱/۶)
جمع	۴۶۷ (۱۰۰)

میان‌فردی به طور جداگانه بررسی شد و نشان داده شد که در رابطه با هویت ایدئولوژیکی تفاوت معنی‌داری میان نمره‌های سبک هویت نامتمایز/اجتنابی، در دو وضعیت نامتمایز و تفویض اختیار با وضعیت‌های دیگر وجود دارد. به بیان دیگر نمرات سبک هویت نامتمایز/اجتنابی توانایی جداسازی این دو وضعیت را از وضعیت‌های دیگر دارند. در رابطه با هویت میان‌فردی نیز بر اساس نمره‌های سبک هویت نامتمایز/اجتنابی تفاوت معنی‌داری میان وضعیت نامتمایز با سایر وضعیت‌ها دیده شد. به بیان دیگر نمره‌های سبک هویت میان‌فردی نامتمایز/اجتنابی توانایی جداسازی این وضعیت را از وضعیت‌های دیگر دارد.

با توجه به معنی‌دار بودن تفاوت میانگین‌ها، با بهره‌گیری از روش شفه تفاوت سبک هویت هنجاری با هرکدام از وضعیت‌های هویتی ایدئولوژیکی و میان‌فردی به‌طور جداگانه بررسی شد و از نظر هویت ایدئولوژیکی برپایه‌ی نمره‌های سبک هویت هنجاری تفاوت معنی‌داری میان وضعیت تفویض اختیار با سایر وضعیت‌ها دیده شد. به بیان دیگر نمره‌های سبک هویت هنجاری توانایی جداسازی این وضعیت را از

یافته‌های مربوط به بررسی این فرضیه که بین سبک‌های هویتی و وضعیت‌های هویتی در نوجوانان تهرانی ارتباطی وجود دارد، به‌کمک تحلیل واریانس مقایسه شده و در جدول‌های ۵، ۶ و ۷ ارائه گردیده است. با توجه به معنی‌دار بودن تفاوت میانگین‌ها به‌کمک روش شفه، تفاوت سبک هویت نامتمایز/اجتنابی با هرکدام از وضعیت‌های هویتی ایدئولوژیکی و

جدول ۳- توزیع فراوانی آزمودنی‌های پژوهش برحسب وضعیت‌های هویت ایدئولوژیکی و جنس

	نامتمایز	تفویض اختیار	مهلت مجاز	اکتساب	جمع
	فراوانی (%)	فراوانی (%)	فراوانی (%)	فراوانی (%)	فراوانی (%)
پسر	۸۴ (۱۸)	۴۱ (۸/۸)	۸۴ (۱۸)	۲۳ (۴/۹)	۲۳۲ (۴۹/۷)
دختر	۸۷ (۱۸/۶)	۲۴ (۵/۱)	۱۰۶ (۲۲/۷)	۱۸ (۳/۹)	۲۳۵ (۵۰/۳)
جمع	۱۷۱ (۳۶/۶)	۶۵ (۱۳/۹)	۱۹۰ (۴۰/۷)	۴۱ (۸/۸)	۴۶۷ (۱۰۰)

جدول ۴- توزیع فراوانی آزمودنی‌های پژوهش برحسب وضعیت‌های هویت میان‌فردی و جنس

	نامتمایز	تفویض اختیار	مهلت مجاز	اکتساب	جمع
	فراوانی (%)	فراوانی (%)	فراوانی (%)	فراوانی (%)	فراوانی (%)
پسر	۷۳ (۱۵/۶)	۵۱ (۱۰/۹)	۷۹ (۱۶/۹)	۲۹ (۶/۳)	۲۳۲ (۴۹/۷)
دختر	۶۲ (۱۳/۳)	۴۱ (۸/۸)	۱۰۷ (۲۲/۹)	۲۵ (۵/۳)	۲۳۵ (۵۰/۳)
جمع	۱۳۵ (۲۸/۹)	۹۲ (۱۹/۷)	۱۸۶ (۳۹/۸)	۵۴ (۱۱/۶)	۴۶۷ (۱۰۰)

جداگانه بررسی شد و نشان داده شد که از نظر هویت ایدئولوژیکی برپایه‌ی نمره‌های سبک هویت اطلاعاتی تفاوت معنی‌داری میان وضعیت اکتساب و تفویض اختیار با سایر وضعیت‌ها وجود دارد و به بیان دیگر نمره‌های سبک هویت اطلاعاتی توانایی جداسازی این دو وضعیت را از وضعیت‌های دیگر دارند. ولی همان‌گونه که دیده می‌شود تفاوت معنی‌داری میان نمره‌های سبک هویت اطلاعاتی افراد در وضعیت‌های هویتی میان‌فردی مختلف وجود نداشت.

وضعیت‌های دیگر دارند. از نظر هویت میان‌فردی نیز برپایه‌ی نمره‌های سبک هویت هنجاری تفاوت معنی‌داری میان وضعیت نامتمایز و تفویض اختیار با سایر وضعیت‌ها دیده شد. از این رو نمره‌های سبک هویت هنجاری توانایی جداسازی این دو وضعیت را از وضعیت‌های دیگر دارند.

با توجه به معنی دار بودن تفاوت میانگین‌ها به کمک روش شفه تفاوت سبک هویت اطلاعاتی با هر یک از وضعیت‌های هویت ایدئولوژیکی و میان‌فردی به‌طور

جدول ۵- نتایج تحلیل واریانس درباره‌ی وضعیت‌های هویت ایدئولوژیکی و میان‌فردی با سبک هویت نامتمایز/اجتنابی

منبع	درجه‌ی آزادی	مجموع مجزورات	میانگین مجزورات	F	سطح معنی‌داری
ایدئولوژیکی					
بین گروه‌ها	۳	۱۱۸۶/۵۶	۳۹۵/۵۲	۱۰/۴۴	۰/۰۰۰۱
درون گروه‌ها	۴۶۳	۱۷۵۲۷/۶	۳۷/۸۵		
مجموع	۴۶۶	۱۸۷۱۴/۱۷			
میان‌فردی					
بین گروه‌ها	۳	۵۰۰/۹۴	۱۶۶/۹۸	۴/۲۴	۰/۰۰۵۶
درون گروه‌ها	۴۶۳	۱۸۲۱۳/۲۳	۳۹/۳۳		
مجموع	۴۶۶	۱۸۷۱۴/۱۷			

جدول ۶- نتایج تحلیل واریانس درباره‌ی وضعیت‌های هویت ایدئولوژیکی و میان‌فردی با سبک هویت هنجاری

منبع	درجه‌ی آزادی	مجموع مجزورات	میانگین مجزورات	F	سطح معنی‌داری
ایدئولوژیکی					
بین گروه‌ها	۳	۵۰۸/۰۵	۱۶۹/۳۵	۶/۰۴	۰/۰۰۰۵
درون گروه‌ها	۴۶۳	۱۲۹۷۴/۳۵	۲۸/۰۲		
مجموع	۴۶۶	۱۳۴۸۲/۴			
میان‌فردی					
بین گروه‌ها	۳	۵۷۷/۴۳	۱۹۲/۴۷	۶/۹۰	۰/۰۰۰۱
درون گروه‌ها	۴۶۳	۱۲۹۰۴/۹۷	۲۷/۸۷		
مجموع	۴۶۶	۱۳۴۸۲/۴۰			

جدول ۷- نتایج تحلیل واریانس نمره‌های مربوط به وضعیت‌های هویت ایدئولوژیکی و میان‌فردی با سبک هویت اطلاعاتی

منبع	درجه‌ی آزادی	مجموع مجزورات	میانگین مجزورات	F	سطح معنی‌داری
ایدئولوژیکی					
بین گروه‌ها	۳	۱۹۵۹/۶۵	۶۵۳/۲۱	۱۹/۲۳	۰/۰۰۰۰
درون گروه‌ها	۴۶۳	۱۵۷۲۳/۶۳	۳۳/۹۶		
مجموع	۴۶۶	۱۷۶۸۳/۲۸			
میان‌فردی					
بین گروه‌ها	۳	۱۶۱/۲۶	۵۳/۷۵	۱/۴۲	۰/۲۳۶۱
درون گروه‌ها	۴۶۳	۱۷۵۲۲/۰۲	۳۷/۸۴		
مجموع	۴۶۶	۱۷۶۸۳/۲۸			

این بررسی نشان داد که نوجوانان تهرانی از نظر هویت ایدئولوژیکی و میان‌فردی بیشتر در وضعیت مهلت مجاز و نامتمایز و کمتر در وضعیت اکتساب قرار دارند.

گفتنی است در بیشتر بررسی‌های انجام شده در زمینه‌ی بررسی وضعیت هویت نوجوانان، نمونه‌ها از میان دانشجویان دانشگاه انتخاب شده‌اند که علت آن بیشتر به دلیل مشکلات اجرایی در دبیرستان‌ها عنوان گردیده است. از این رو می‌توان گفت که یکی از نقاط قوت این بررسی اجرای آن بر روی گروه نوجوانان پیش از ورود به دانشگاه می‌باشد.

در بررسی ماریسیا (۱۹۶۶) ۲۴٪ (۲۱ نفر از ۸۶ نفر) از آزمودنی‌های وی در وضعیت هویت نامتمایز و ۲۱٪ از آنها در وضعیت اکتساب گزارش گردیدند. هم‌چنین گزارش دیگر ماریسیا (۱۹۶۷) گویای آن بود که ۱۹٪ (۱۴ نفر از ۷۲ نفر) از آزمودنی‌های وی در وضعیت هویت نامتمایز و ۲۱٪ در وضعیت اکتساب بودند. اما بررسی حاضر بین شمار نوجوانانی که در دو وضعیت نامتمایز و اکتساب قرار داشتند تفاوت زیادی نشان نداد. یافته‌های گزارش شده توسط اسلوگوسکی^۱، ماریسیا و کوپمن^۲ (۱۹۸۴) که ۳۵٪ (۳۵ نفر از ۹۹ نفر) از آزمودنی‌های خود را در مرحله‌ی نامتمایز و ۱۹٪ را در مرحله‌ی اکتساب، و برزونسکی (به نقل از برزونسکی و کوک^۳، ۲۰۰۲) که ۲۲٪ (۲۶ نفر از ۱۱۸ نفر) از نمونه‌ها را در وضعیت نامتمایز و ۲۶٪ را در وضعیت اکتساب، و هم‌چنین برزونسکی و نیمیر^۴ (۱۹۹۴) که ۲۲٪ (۳۷ نفر از ۱۷۲ نفر) را در وضعیت نامتمایز و ۳۲٪ را در وضعیت اکتساب گزارش نمودند با یافته‌های بررسی حاضر ناهمخوان است. علت این تفاوت می‌تواند به دلیل تفاوت سنی آزمودنی‌ها و تفاوت‌های فرهنگی از نظر تربیت فرزندان و چشم‌داشت‌های جامعه از آنها باشد. این یافته نیاز به انجام بررسی‌های بیشتر در این زمینه را نشان می‌دهد.

بررسی‌های انجام شده در این زمینه یافته‌های یکسانی را گزارش نکرده‌اند. برای نمونه آدامز (به نقل از برزونسکی و کوک، ۲۰۰۲) در یک بررسی طولی گزارش نمود که در سال اول دانشگاه ۳۷٪، در سال دوم ۴۰٪ و در سال سوم ۳۱٪ از آزمودنی‌های وی در وضعیت نامتمایز بودند (برای افراد در وضعیت اکتساب این اعداد به ترتیب ۱۶٪، ۱۷٪ و ۱۶٪ بود). یافته‌های این بررسی ضمن آن‌که به یافته‌های بررسی حاضر نزدیک‌تر است، گویای آن است که با افزایش سن تفاوت زیادی در درصد فراوانی قرار گرفتن نوجوانان در وضعیت‌های هویتی مختلف دیده نشده است. ماریسیا (۱۹۷۶) و پلکینین و کوکو (به نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳) دریافتند که وضعیت‌های هویتی ثابت و غیر قابل تغییر نیستند. شاید بتوان تفاوت یافته‌های پژوهش حاضر با بررسی‌های دیگر را به دلیل تفاوت‌های فرهنگی دانست. بسیاری از پژوهشگران (مارکستروم-آدامز و آدامز، ۱۹۹۵؛ برزونسکی، نورمی^۵، کینی^۶ و تامی^۷، ۱۹۹۹؛ ابراهام، ۱۹۸۳) بر تأثیر عوامل نژادی، فرهنگی و مذهبی در میزان فراوانی قرار گرفتن نوجوانان در وضعیت‌های هویتی مختلف تأکید نموده‌اند.

این بررسی نشان داد که بین وضعیت‌های هویت ایدئولوژیکی دختران و پسران تفاوت معنی‌دار وجود دارد. دختران بیشتر در وضعیت هویت ایدئولوژیکی و میان‌فردی مهلت مجاز قرار داشتند، در حالی که پسران از نظر هویت‌های ایدئولوژیکی و میان‌فردی بیشتر در وضعیت‌های نامتمایز و مهلت مجاز بودند.

آدامز و فیچ (۱۹۸۲) در یک بررسی طولی در مورد رشد هویت افراد در اواخر دوره‌ی نوجوانی، تفاوت معنی‌داری را در شکل‌گیری هویت دختران و پسران گزارش نمودند که این نتیجه با یافته‌های پژوهش حاضر متفاوت می‌باشد. از سوی دیگر استریتمر (۱۹۹۳) نشان داد که دختران نمرات بالاتری از پسران

1- Slugoski
3- Kuk
5- Nurmi
7- Tammi

2- Koopman
4- Neimeyer
6- Kinney

هم‌سن خود در وضعیت اکتسابی به‌دست آوردند. گروتوانت و آدامز (۱۹۸۴) نیز یافته‌های یکسانی را در نمونه‌ای از افراد در اواخر دوره‌ی نوجوانی گزارش نمودند. هر چند این یافته‌ها به تفاوت میان دختران و پسران در وضعیت‌های هویتی مختلف اشاره دارند، در بررسی حاضر تفاوتی میان نوجوان دختر و پسر در وضعیت اکتساب دیده نشد.

هم‌چنین جونز (به‌نقل از آدامز، ۱۹۹۸) گزارش داد که دختران در اواسط دوره‌ی نوجوانی نمرات بالایی در وضعیت تفویض اختیار به دست می‌آورند که این یافته‌ها با یافته‌های پژوهش حاضر متفاوت می‌باشد.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر کمتر بودن وضعیت اکتساب نوجوانان دختر و پسر تهرانی و با عنایت به اهمیت وضعیت اکتساب در رسیدن به تعهد و حل بحران هویت (استفن، فراسر و مارسیا، ۱۹۹۲) و در نتیجه کاهش مشکلات رفتاری و روانشناختی و از سوی دیگر با در نظر گرفتن این مسئله که شمار زیادی از نوجوانان تهرانی در وضعیت هویت نامتمایز قرار دارند و یافته‌های پژوهشی که این وضعیت را با مشکلات رفتاری و روانشناختی زیادی مرتبط دانسته‌اند (به نقل از شوارتز و دانهام، ۲۰۰۰) ضرورت برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تر برای نوجوانان برای حرکت آنها در راستای رسیدن به هویت اکتساب احساس می‌شود.

برای بررسی این فرضیه که بین سبک‌های هویتی و وضعیت‌های هویتی در نوجوانان تهرانی ارتباط وجود دارد، یافته‌های پژوهشی نشان داد که بین وضعیت‌های هویت ایدئولوژیکی و میان‌فردی با سبک‌های هویتی تفاوت معنی‌دار وجود دارد. می‌توان گفت که وضعیت هویت ایدئولوژیکی اجتنابی و تفویض اختیار بیشترین رابطه را با سبک هویت نامتمایز/اجتنابی دارند، ولی از نظر وضعیت هویت میان‌فردی تنها وضعیت اجتنابی با سبک هویت نامتمایز/اجتنابی ارتباط دارد.

هم‌چنین از نظر هویت ایدئولوژیکی، تفویض اختیار با سبک هویت هنجاری ارتباط دارد در حالی که از نظر

هویت میان‌فردی، وضعیت نامتمایز و تفویض اختیار هر دو با سبک هویت هنجاری ارتباط دارند.

وضعیت هویت ایدئولوژیکی تفویض اختیار و بیشتر از آن اکتسابی ارتباط بالایی با سبک هویت اطلاعاتی دارند ولی بین وضعیت‌های هویت میان‌فردی و سبک هویت اطلاعاتی تفاوت معنی‌دار آماری به‌دست نیامد. در این پژوهش بین وضعیت مهلت مجاز با هیچ یک از سبک‌های هویتی ارتباط معنی‌داری به دست نیامد.

یافته‌های پژوهش حاضر تا اندازه‌ای با یافته‌های برخی بررسی‌های انجام شده که سبک هنجاری را دارای ارتباط بالایی با وضعیت تفویض اختیار گزارش کرده‌اند (برزونسکی، ۱۹۹۲) هم‌سو است.

شوارتز (۲۰۰۱) بر این باور است که به دلیل تفکر بسته سبک نامتمایز/اجتنابی، این سبک رابطه‌ی نزدیکی با وضعیت تفویض اختیار دارد. تنها تفاوت یافته‌های پژوهش حاضر با برخی بررسی‌ها از جمله برزونسکی و فراری^۱ (۱۹۹۶)، ارتباط میان وضعیت مهلت مجاز با سبک اطلاعاتی بود که در پژوهش حاضر چنین ارتباطی به دست نیامد.

به‌طور کلی یافته‌های بررسی حاضر در تأیید نظریه‌ی برزونسکی است که سبک‌های هویتی می‌توانند بیانگر وضعیت‌های هویتی باشند و بر این پایه می‌توان با بهره‌گیری از سبک پردازش اطلاعات افراد وضعیت هویتی آنها را بررسی کرد. گفتنی است که محدودیت‌هایی نیز در تفسیر آن وجود دارد. برای نمونه در این پژوهش وضعیت مهلت مجاز با هیچ‌کدام از سبک‌ها ارتباط نداشت. هرچند که میزان ارتباط تفویض اختیار با دو سبک نامتمایز/اجتنابی و اطلاعاتی در حد پایین‌تر از ارتباط آن با سبک هنجاری بود ولی ارتباط مشخصی میان سبک‌های هویتی با وضعیت مهلت مجاز به دست نیامد.

حقانی و عیسی کریمی کیسمی و کلیه‌ی عزیزانی که در انجام این پژوهش یاری نمودند، تشکر می‌نمایم.

دریافت مقاله: ۱۳۸۲/۱۰/۲۲؛ دریافت نسخه‌ی نهایی: ۱۳۸۲/۱۱/۲۰؛

پذیرش مقاله: ۱۳۸۲/۱۲/۶

Abraham, K.G. (1983). The relation between identity status and locus of control among high school students. *Journal of Early Adolescence*, 3, 257-264.

Adams, G.R., & Fitch, S.A. (1982). Ego stage and identity status development: A cross-sequential analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 43, 574-583.

Adams, G.R., Ryan, J.H., Hoffman, F.F., Dobson, W. R., & Nielsen, E.C. (1985). Ego-identity status, conformity behavior and personality in late adolescence. *Journal of Personality and Social Psychology*, 47, 1091-1104.

Adams, G.R. (1998). *The manual of the objective measure of ego-identity status*. Personal Communication via Electronic Mail.

Berman, A.M., Schwartz, S.J., Kurtines, W.M., & Berman, S.L. (2001). The process of exploration in identity formation: The role of style and competence. *Adolescence*, 24, 513-528.

Berzonsky, M.D., Rick, K.G., & Neimeyer, G.J. (1990). Identity status and self-construct system: Process structure interaction. *Adolescence*, 13, 251-263.

Berzonsky, M.D. (1992). Identity style and coping strategies. *Journal of Personality*, 60, 771-778.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان دادند که نوجوانان تهرانی بیشتر در وضعیت مهلت مجاز بوده و نوجوانان پسر افزون بر وضعیت مهلت مجاز در حد زیادی در وضعیت نامتمایز قرار دارند. سایر پژوهش‌ها بیانگر آن هستند که افراد در وضعیت مهلت مجاز تمایل به اضطراب و افسردگی دارند (کیدول و همکاران، ۱۹۹۵)، و در وضعیت نامتمایز هویت، بی‌احساس و بی‌علاقه به مسائل پیرامون خود هستند (به نقل از شوارتز و دانهام، ۲۰۰۰) و دارای مشکلاتی در زمینه‌ی تحصیلی می‌باشند (همان‌جا). هم‌چنین در رابطه با ارتباط این وضعیت با سبک نامتمایز/اجتنابی، بررسی‌ها نشان داده‌اند که افراد با سبک نامتمایز/اجتنابی افسرده‌تر و روان‌رنجورتر و هم‌چنین در مقایسه با گروه‌های هنجاری و اطلاعاتی کمتر با وجدان هستند (برزونسکی و کوک، ۲۰۰۲).

این پژوهش دارای محدودیت‌هایی بوده است. با توجه به این که این پژوهش صرفاً بر روی دانش‌آموزان سال‌های سوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی تهران انجام شده است، یافته‌های آن به دانش‌آموزان سایر شهرهای ایران و سال‌های دیگر دبیرستان قابل تعمیم نیست که می‌تواند موضوع پژوهش‌های دیگری در این زمینه باشد. هم‌چنین با توجه به این که در این پژوهش تنها پرسش‌نامه به کار برده شده است، به نظر می‌رسد که یک مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته به همراه پرسش‌نامه می‌تواند اطلاعات سودمندتر و گسترده‌تری فراهم آورد. پژوهشی در زمینه‌ی بررسی روند تغییر وضعیت‌های هویتی در سال‌های مختلف مقطع دبیرستان و یا راهنمایی نیز پیشنهاد می‌شود.

از همکاری واحدهای مشاوره‌ی مناطق یک، هشت، نه و شانزده آموزش و پرورش، هم‌چنین خانم بهار غفوری و آقای مهدی محمدی در گردآوری داده‌های پژوهش و رهنمودهای آقایان دکتر سیداکبر بیان‌زاده، دکتر حمید

- Berzonsky, M.D., & Neimeyer, G.J. (1994). Ego identity status and identity processing orientation: The moderating role of commitment. *Journal of Research in Personality*, 28, 425-435.
- Berzonsky, M.D., & Ferrari, R.J. (1996). Identity orientation and decisional strategies. *Personality and Individual Differences*, 20, 597-606.
- Berzonsky, M.D., Nurmi, J.E., Kinney, A., & Tammi, K. (1999). Identity processing style and cognitive attributional strategies: Similarities and difference across different contexts. *European Journal of Personality*, 13, 105-120.
- Berzonsky, M.D., & Kuk, L.S. (2002). *Identity Processing style, Psychosocial resource, personal problems, and academic performance*. Paper presented at a symposium on identity, personal well-being and problem behaviors: A process perspective held at the meetings of the society for research on adolescence, New Orleans, Louisiana.
- Boyes, M.C., & Chandler, M. (1992). Cognitive development, epistemic doubt, and identity formation in adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 21, 277-304.
- Farrell, A.D., Danish, S.J., & Howard, C.W. (1992). Relationship between drug use and other problem behaviors in urban adolescents. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 60, 705-712.
- Fregeau, D.L., & Barker, M. (1986). A measurement of the process of adolescence: Standardization and interpretation. *Adolescence*, 21, 913-919.
- Grotevant, H.D., & Adams, G.R. (1984). Development of an objective measure to assess ego identity in adolescence: Validation and replication. *Journal of Youth and Adolescence*, 13, 419-438.
- Grotevant, H.D. (1987). Toward a process model of identity formation. *Journal of Adolescent Research*, 2, 203-222.
- Jesser, R. (1992). Risk behavior in adolescence: A psychosocial framework for understanding and action. *Developmental Review*, 12, 374-390.
- Kidweel, J.S., Dunham, R.M., Bacho, R.A., Pastovin, E., & Portes, P.R. (1995). Adolescent identity exploration: A Test of Eriksons theory of transitional crisis. *Adolescence*, 30, 785-793.
- Marcia, J.E. (1966). Developmental and validation of ego identity status. *Journal of Personality and Social Psychology*, 3, 551-558.
- Marcia, J.E. (1967). Ego identity status: Relationship to change in self-esteem, "general maladjustment" and authoritarianism. *Journal of Personality*, 35, 118-133.
- Markstrom-Adams, C., & Adams, G.R. (1995). Gender, ethnic group, and grade differences in psychosocial functioning during middle adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 24, 397-417.
- McCarthy, J.B. (1995). Adolescent character formation & psychoanalytic theory. *The American Journal of Psychoanalysis*, 55, 245-267.
- Meeus, W. (1996). Studies on identity development in adolescence: An overview of research and some new data. *Journal of Youth and Adolescence*, 25, 569-598.
- O'Connor, B.P. (1995). Identity development and perceived parental behavior as sources of adolescent egocentrism. *Journal of Youth and Adolescence*, 24, 205-227.
- Peterson, A.C. (1988). Adolescence development. *Annual Review of Psychology*, 39, 583-607.

Schwartz,S.J.,& Dunham,M.R. (2000). Identity status formulae: Generating measures of the identity from measures of exploration and commitment. *Adolescence*, 35, 147- 165.

Schwartz,S.J. (2001).The evolution of Eriksonian and Neo-Eriksonian identity theory and research: A review and integration. *An International Journal of Theory and Research*,1,7-58.

Slugoski,B.R.,Marcia,J.E.,& Koopman,R.F. (1984). Cognitive and social interactional characteristics of ego identity status in college males. *Journal of Personality and Social Psychology*, 47, 646-661.

Streitmatter,J.L.(1993). Gender differences in identity development: An examination of longitudinal data. *Adolescence*, 28, 55-66.